

دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی پردیس نمین
گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی بازتاب مکتب‌های ادبی در اشعار شه‌ریار

استاد راهنما:

دکتر خدابخش اسداللهی

استاد مشاور:

دکتر عسگر صلاحی

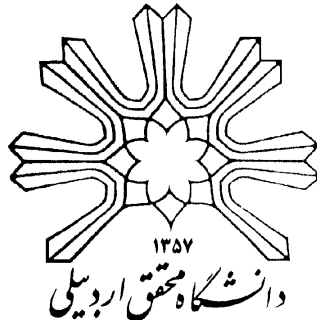
توسط:

عادل نور آذر عبابگلو

دانشگاه محقق اردبیلی

تابستان ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بررسی بازتابِ مکتب‌های ادبی در اشعار شهریار

توسط:

عادل نورآذر عبابگلو

پایان نامه برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه محقق اردبیلی

اردبیل-ایران

ارزیابی و تصویب‌شده توسط کمیته‌ی پایان نامه با درجه‌ی:

دکتر خدابخش اسداللهی (استاد راهنما و رئیس کمیته) استادیار

دکتر (داور داخلی) استادیار

دکتر عسگر صلاحی (استاد مشاور) استادیار

بهترین تقدیم‌ها

ارزانی پدران و مادرانی باد که نگاه پر مهر آن‌ها پشتوانه‌ای برای فرزندان، در تمامی مراحل زندگی است.

و تقدیم به همسر مهربانم که همواره در فراز و نشیب زندگی همراه و همسفرم بوده‌اند.

سپاس‌گزاری:

سپاس باد خداوند منان را که با عنایت بی‌دریغ‌اش یاریم فرمود تا این پایان نامه را در موعد مقرر به سرانجام برسانم.

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر اسداللهی که همواره در تمامی مراحل اجرای پایان نامه، با راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود بنده را یاری فرمودند، صمیمانه سپاس‌گزارم.

از استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر صلاحی که پیوسته بنده را، در امر تدوین و ویرایش پایان‌نامه از مساعدت و مشاورت خویش، بهره‌مند ساختند، بی‌نهایت سپاس‌گزارم.

از استاد گران‌مایه جناب آقای دکتر محرمی که با حسن سلیقه و دقت نظر خود، تحقیق را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند و در تدوین نهایی پایان‌نامه، از رهنمودهای ارزنده‌شان بهره‌ها جستیم، صمیمانه سپاس‌گزارم.

از خداوند متعال برای تمامی اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی که در جهت اعتلا و شکوفایی علمی و معنوی بنده، زحمات گران‌قدری را متحمل شدند، توفیقات روزافزون مسئلت می‌کنم.

از فرزندان عزیزم، سعید و وحید، که در نگارش و ویرایش پایان‌نامه یاری‌گرم بودند، متشکرم.

| | | |
|---|----------------------------------|------------|
| نام خانوادگی دانشجو: نورآذر عبا بگلو | | نام: عادل |
| عنوان پایان نامه: بررسی بازتاب مکتب‌های ادبی در اشعار شهریار | | |
| استاد رهنما: دکتر خدابخش اسداللهی استاد مشاور: دکتر عسگر صلاحی | | |
| مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد | رشته: زبان و ادبیات فارسی | گرایش: محض |
| دانشگاه: محقق اردبیلی | دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی | |
| تاریخ فارغ التحصیلی: | تعداد صفحه: ۱۰۷ | |
| کلیدواژه‌ها: رمانتیسم، کلاسیسم، رئالیسم، سمبولیسم، سوررئالیسم، شهریار | | |
| <p>چکیده</p> <p>یکی از موضوعات بحث‌انگیز پیرامون اشعار شهریار، بازتاب مکتب‌های ادبی در آثار اوست. بعضی‌ها، اصولاً ارزیابی مکاتب شعری ایران به طور اعم، و به طور اخص شهریار را با معیار مکتب‌های ادبی شعری جهان و تطبیق آثار ادب فارسی با آن مکتب‌ها نادرست تشخیص می‌دهند. از این روی بحث درباره‌ی وجوه تشابه و تضاد بین سبک آثار شهریار و اصول «کلاسیسم، رمانتیسم و رئالیسم» و هم‌چنین «سمبولیسم و سوررئالیسم» را بی‌نتیجه و بی‌فایده می‌دانند. در مقابل موافقان بر این عقیده‌اند که ادبیات کشورهای مختلف اروپایی از نظر زمینه‌های اجتماعی، فکری، فلسفی و نیز از لحاظ سیر تحولات تاریخی و ادبی و هنری شباهت‌های بسیار با یکدیگر دارند. از همین رو بررسی تطبیقی و مقایسه‌ی ادبیات اروپایی هم امکان‌پذیر است و هم مفید. بنابراین با عینک این مکتب‌ها آثار ادبی فارسی، به‌خصوص دیوان شهریار را دقیق‌تر و علمی‌تر می‌توان شناخت و در آن نقطه‌های تاریک و نکته‌های باریک را که با چشم بدیعی و عروزی خودمان نمی‌بینیم می‌توانیم تشخیص دهیم. نویسنده کلیات دیوان شهریار را با مکتب‌های ادبی جهان انطباق داده، به بیان شباهت و ویژگی‌های آن در ادبیات فارسی (بومی) پرداخته است و نویسنده به این نتیجه رسیده‌است که شهریار برای اعتلای ارزش هنری خود، مطالعات عمیقی در انواع گوناگون مکاتب ادبی جهان نموده، دانسته و سنجیده مکتب ادبی ویژه‌ی خود را به نام مکتب شهریار به وجود آورده است.</p> | | |

فهرست مطالب

| عنوان | صفحه |
|-----------------------------------|------|
| فصل اول - کلیات و روش تحقیق | ۱ |
| ۱-۱-مقدمه | ۲ |
| ۲-۱-بیان مسئله | ۴ |
| ۳-۱-سؤالات و فرضیه‌ها | ۶ |
| ۱-۳-۱-سؤالات تحقیق | ۶ |
| ۲-۳-۱-فرضیه‌ها | ۷ |
| ۴-۱-هدف و ضرورت تحقیق | ۷ |
| ۱-۴-۱-ضرورت تحقیق | ۷ |
| ۲-۴-۱-اهداف تحقیق | ۸ |
| ۵-۱-پیشینه‌ی تحقیق | ۸ |
| ۶-۱-روش اجرای تحقیق | ۸ |
| فصل دوم - مبانی نظری تحقیق | ۹ |
| ۱-۲-تاریخچه‌ی مکتب‌های ادبی | ۱۰ |
| ۲-۲-کلاسیسم | ۱۱ |
| ۱-۲-۲-اصول مکتب کلاسیسم | ۱۱ |
| ۳-۲-رمانتیسم | ۱۱ |
| ۱-۳-۲-اصول مکتب رمانتیسم | ۱۲ |
| ۴-۲-رئالیسم | ۱۲ |

| | |
|----|--|
| ۱۳ | ۲-۴-۱- اصول مکتب رئالیسم |
| ۱۳ | ۲-۵-۵- سمبولیسم |
| ۱۴ | ۲-۵-۱- اصول مکتب سمبولیسم |
| ۱۴ | ۲-۶-۶- سوررئالیسم |
| ۱۵ | ۲-۶-۱- اصول مکتب سوررئالیسم |
| ۱۵ | ۲-۷-۷- نگاهی به تأثیرپذیری شهریار از مکتب‌های ادبی |
| ۱۵ | ۲-۷-۱- تأثیرپذیری شهریار از رمانتیسم |
| ۱۷ | ۲-۷-۲- تأثیرپذیری شهریار از کلاسیسم |
| ۱۷ | ۲-۷-۳- تأثیرپذیری شهریار از رئالیسم |
| ۱۸ | ۲-۷-۴- تأثیرپذیری شهریار از سمبولیسم |
| ۱۹ | ۲-۷-۵- تأثیرپذیری شهریار از سوررئالیسم |
| ۲۰ | فصل سوم - بحث و بررسی |
| ۲۱ | ۳-۱- زندگی‌نامه‌ی ادبی شهریار |
| ۲۴ | ۳-۲-۱- سیر رمانتیسم در غرب |
| ۲۵ | ۳-۲-۲- سیر رمانتیسم در ایران |
| ۲۶ | ۳-۲-۳- اصول رمانتیسم در اشعار شهریار |
| ۲۶ | ۳-۲-۱- احساس‌گرایی |
| ۲۸ | ۳-۲-۲- اندوه و افسردگی |
| ۲۹ | ۳-۲-۳- تخیل |
| ۳۰ | ۳-۲-۴- فضاسازی و صحنه‌آرایی |

- ۳۱ ۵-۳-۲-۳-۳ عامیانه‌نویسی
- ۳۲ ۶-۳-۲-۳-۳ گرایش به طبیعت (بازیافت اصالت انسانی)
- ۳۳ ۷-۳-۲-۳-۳ توصیف زندگی روستایی
- ۳۴ ۸-۳-۲-۳-۳ بازگشت به دوران کودکی
- ۳۵ ۹-۳-۲-۳-۳ کشف شهودی و عرفانی
- ۳۷ ۲-۲-۳-۳ سیر سمبولیسم در غرب
- ۳۹ ۳-۲-۳-۳ سیر سمبولیسم در ایران
- ۴۱ ۵-۲-۳-۳ نماد (سمبول)
- ۴۱ ۱-۵-۲-۳-۳ نمادهای ابداعی
- ۴۱ ۲-۵-۲-۳-۳ نمادهای مرسوم
- ۴۱ ۶-۲-۳-۳ طبقه‌بندی نمادهای رایج اصول سمبولیسم در اشعار شهریار
- ۴۱ ۱-۶-۲-۳-۳ طبیعت
- ۴۱ ۲-۶-۲-۳-۳ آیین‌های ملی و اساطیری
- ۴۲ ۳-۶-۲-۳-۳ دین و مذهب
- ۴۲ ۴-۶-۲-۳-۳ نمادهای مرسوم
- ۴۲ ۵-۶-۲-۳-۳ نمادهای ابداعی شهریار
- ۴۲ ۱-۵-۶-۲-۳-۳ آراز
- ۴۴ ۲-۵-۶-۲-۳-۳ اژدها
- ۴۴ ۳-۵-۶-۲-۳-۳ ایت (سگ)، قورد (گرگ) و قویون (گوسفند)
- ۴۶ ۴-۵-۶-۲-۳-۳ ببر

- ۴۶ ۵-۵-۶-۲-۳-۳ (چشمه) بولاغ
- ۴۹ ۶-۵-۶-۲-۳-۳ پرندگان
- ۵۰ ۷-۵-۶-۲-۳-۳ داس و چکش
- ۵۰ ۸-۵-۶-۲-۳-۳ دو مرغ بهشتی
- ۵۱ ۹-۵-۶-۲-۳-۳ رود ولگا
- ۵۱ ۱۰-۵-۶-۲-۳-۳ سارا
- ۵۲ ۱۱-۵-۶-۲-۳-۳ سمبولیک وطنی
- ۵۲ ۱۲-۵-۶-۲-۳-۳ شب
- ۵۳ ۱۳-۵-۶-۲-۳-۳ شیطان
- ۵۶ ۱۴-۵-۶-۲-۳-۳ کاروان
- ۵۶ ۱۵-۵-۶-۲-۳-۳ کوه حیدرآبا
- ۵۷ ۱۶-۵-۶-۲-۳-۳ مومیایی
- ۵۸ ۳-۲-۳-۲-۳ سیر کلاسیسم در غرب
- ۵۹ ۱-۳-۲-۳-۳ سیر کلاسیسم در ایران
- ۶۰ ۲-۳-۲-۳-۳ اصول کلاسیسم در اشعار شهریار
- ۶۲ ۱-۲-۳-۲-۳-۳ پیروی از عقل
- ۶۳ ۲-۲-۳-۲-۳ اخلاق
- ۶۴ ۳-۲-۳-۲-۳ دین
- ۶۶ ۴-۲-۳-۲-۳ تقلید از پیشینیان (نگاه به گذشته)
- ۷۰ ۵-۲-۳-۲-۳ تقلید از طبیعت

- ۷۱ ۶-۲-۳-۲-۳ وضوح و روشنی و کلمات خوش‌آهنگ
- ۷۴ ۴-۲-۳ سیر رئالیسم در غرب
- ۷۵ ۱-۴-۲-۳ سیر رئالیسم در ایران
- ۷۶ ۲-۴-۲-۳ اصول رئالیسم در اشعار شهریار
- ۷۷ ۱-۲-۴-۲-۳ برون‌گرایی
- ۸۰ ۲-۲-۴-۲-۳ عامیانه‌نویسی
- ۸۱ ۳-۲-۴-۲-۳ انتقاد
- ۸۴ ۴-۲-۴-۲-۳ سفر واقعی
- ۸۴ ۵-۲-۴-۲-۳ صحنه‌سازی
- ۸۶ ۵-۲-۳ سیر سوررئالیسم در غرب
- ۸۸ ۱-۵-۲-۳ سیر سوررئالیسم در ایران
- ۸۹ ۲-۵-۲-۳ اصول سوررئالیسم در اشعار شهریار
- ۹۰ ۱-۲-۵-۲-۳ رویا
- ۹۱ ۲-۲-۵-۲-۳ هذیان (جنون)
- ۹۵ ۳-۲-۵-۲-۳ نگارش خودکار (سرایش در حالت بی‌خودی)
- ۹۹ **فصل چهارم - نتیجه‌گیری**
- ۱۰۰ ۴-نتیجه‌گیری
- ۱۰۲ منابع و مآخذ

فصل اوّل

کلیّات و روش تحقیق

آشنایی با افکار و اندیشه‌های جدید اروپاییان و تأسیس دارالفنون و چاپ خانه و نشر افکار آزادی خواهانه در کتب و روزنامه‌ها و برخی مسایل دیگر موجب بروز نهضت مشروطیت در اوضاع و احوال اجتماعی ایران گردید. انقلاب مشروطیت ایران نوید بخش آغاز عصر جدیدی در تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی ملت ایران بود. (حاکمی، ۱۳۷۴: ۱۱)

آقای شمس لنگرودی در جلد اول کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو» درباره‌ی تغییر زندگی فرهنگی در ایران بعد از نهضت مشروطیت، به صورت مفصل بحث کرده است. ایشان معتقد است که همه‌چیز با اعزام چند دانشجو به‌خارج شروع شد. «دارالفنون که باز شد، نیاز به کتاب‌های درسی، معلمین را که بیشتر اروپایی بودند، واداشت تا به ترجمه‌ی کتاب‌های موردنیاز دانشجویان پردازند. چندی که گذشت، ایرانیان نیز به فوت‌وفن ترجمه آشنایی یافتند، در ادبیات اروپایی تازگی و طراوت و سرزندگی ویژه‌ای از زندگی روزمره‌ی اروپاییان یافتند که هیچ‌شباهتی به تخیلات غیرواقعی و زندگی بیمارگونه‌ی مندرج در ادبیات بازگشتی ایرانی نداشت. ادبیات اروپایی که به هر حال نوعی بازآفرینی واقعیت بود. در نظر خواننده‌ی ایرانی به افسانه‌های زیبا و سرگرم‌کننده بیشتر شباهت داشت. پس آغاز به ترجمه کردند و «کنت مونت کریستو»، «سفرهای گالیور»، «سه تفنگدار» و کتاب‌های دیگر ترجمه شد و به شدت مورد استقبال قرار گرفت» (شمس لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۹-۳۰).

آقای شمس لنگرودی در ادامه به نخستین رمان در زبان فارسی اشاره می‌کند که از خلق و خوی و زندگی مردم ایران صحبت کرده و از تکنیک رمان‌نویسی روز بهره داشته‌است، درواقع همان رمان حاجی بابا اصفهانی است که در سال ۱۲۰۴ ش. به وسیله‌ی جیمز موریه، منشی سفارت انگلستان در ایران نوشته شد و بعدها به فارسی ترجمه شد. (همان: ۳۱)

نهضت انقلابی طبعاً در حیات ادبی کشور انعکاس وسیعی داشت. به‌طوری‌که پیش از استقرار مشروطیت شاعر و نویسنده خود را میان مردم حس نمی‌کرد و پیوندی بین خود و عوام نمی‌دید. بنابراین ترجمه‌ی آثار شاعران و نویسندگان اروپایی به منزله‌ی روزنه‌هایی بود که ما را به جهان دیگری متصل ساخت و در شعر فارسی تحوّل به وجود آورد. (حاکمی، ۱۳۷۴: ۱۸).

«بنابراین در همین دوران است که جامعه‌ی رختناک و خواب‌آلود ایران پس از چند قرن سکون و رکود با بانگ و هیاهوی ناشی از فتنه‌گری‌های روس و انگلیس، هراسان، سر از خواب سنگین بر می‌دارد و خود را بازنده و واپس مانده‌ی مسابقه‌ای می‌یابد که در غیاب او آغاز شده‌است. این مسابقه در عصر رنسانس در غرب آغاز شد و تاریخ بشر را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد و با اختراعات علمی، تحولات اجتماعی و اقتصادی، انقلاب فرانسه و دیگر انقلاب‌های سیاسی، جنگ‌ها و شورش‌ها و ... همراه گردید» (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۶).

دکتر مریم مشرف معتقد است که چون نهضت رگ و ریشه‌داری از دل مشروطیت بیرون نیامد تا طبقه‌ی خاص خود را به وجود آورد و بتواند با اقتدار، زمین‌داران و اشراف را از میان بردارد و دست آخر انقلاب از زمین‌داران شکست خورد. تنها تحوّل در بعضی دیدگاه‌های اجتماعی و زبان ادبی ما حاصل شد. بنابراین نهضت‌های ادبی بزرگ عالم منشأ اقتصادی داشته‌اند که به طور غیرمستقیم حرکت زیرین اجتماعی شیوه‌ها، زبان و نگاه ادبی ما را می‌سازد. در نتیجه در ایران شاعران و نویسندگان برای پیش‌برد فکر نوین تلاش جان‌فروشی در پیش رو داشتند. (مشرف، ۱۳۸۲: ۲۳)

آقای جعفری هم در کتاب سیر رمانتیسیم در ایران، وضعیت اجتماعی و ادبی عصر جدید ایران را از برخی جهات با وضعیت اجتماعی و ادبی غرب مقایسه کرده، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را بیان نموده است و معتقد است که عوامل تغییر در کشورهای غربی پایه‌های ادبیاتشان عمیق و پایدار است اما در ایران، هم تحولات اجتماعی ناشی از این پدیده و هم ادبیات برخاسته از آن فاقد چنان عمق، پایداری، پیوستگی و توالی‌ای هستند و در واقع از یک مصداق «از آب خُرد ماهی خُرد خیزد». مرزهای نسبتاً روشنی که در غرب در میان دوره‌ها و مکتب‌های ادبی دیده می‌شود، در ایران کمتر به چشم می‌آید. طبیعی است که در ادبیات ما هیچ‌یک از این سبک‌ها یا مکتب‌ها آن اوج و عظمتی را نیز ندارند که در یک دوره از ادبیات غرب داشته‌اند. (جعفری، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲)

برخی از صاحب‌نظران از جمله خانلری معتقدند: اصولاً مکتب‌های ادبی غرب خاصّ شرایط اجتماعی آن کشورهاست و اطلاق آن بر آثار شاعران و هنرمندان مناطق دیگر صحیح نیست. (همان: ۱۳)

دکتر شریعتی در بحث انطباق شعر و ادبیات فارسی با مکاتب ادبی اروپایی نظر دیگری را مطرح می‌کند: «با عینک این مکتب‌ها آثار ادبی فارسی را دقیق‌تر و علمی‌تر می‌توان شناخت و در آن نقطه‌های تاریک و نکته‌های باریکی را که با چشم بدیعی و عروزی خودمان نمی‌دیدیم، می‌توان دید؛ زیرا عدم انطباق یک شاعر یا نویسنده با اصول مدوّن یک مکتب ادبی جدید مانع از آن نمی‌شود که مثلاً منوچهری را از ورای

عینک ناتورالیسم و یا بسیاری از آثار عرفا را به کمک سمبولیسم و مکتب عراقی را با رمانتیسم نتوان بهتر دید.» شریعتی برای جایز شمردن این کار به این نکته استدلال می‌کند که در خود غرب نیز آثار همه‌ی نویسندگان منسوب به یک مکتب، تماماً با اصول و مختصات آن مکتب خاص منطبق نیست و این انتساب‌ها و نام‌گذاری بنا بر تغلیب است و همراه با تسامح. (شریعتی، ۱۳۶۰: ۸۳)

۱-۲- بیان مسئله

در ادبیات منظوم ایران، برای مکتب‌های ادبی جهان هم باید ارزش و جایگاهی به علل زیر قایل شد همان‌گونه که غربی‌ها هم در ادبیات خودشان رنگ سحرآمیزی برای شعر و هنر مشرق زمین قایل هستند.

الف) ادبیات فارسی از سیر توسعه و تکامل که ممکن است از این راه نصیبت بشود محروم نمانده‌باشد.

ب) احساسات و تفننات ذوقی جوانان که قهرماً با ادبیات خارجی سروکار دارند خفه نشود.

ج) کلمات و اصطلاحات و ترجمه‌ی امثال و تعبیرات خارجی را که بعضاً بین المللی و موردقبول همه دنیاست و در ادبیات ما نیز وارد شده با این مکتب بیان کنیم. یعنی اگر لغات و تعبیرات خارجی است مکتبش هم خارجی باشد. نیک و بدش پای خودشان و حریم سبک‌های ما هم محفوظ مانده باشد. (مقدمه‌ی دیوان شهریار، ۱۳۷۱: ۸۴)

شهریار به سبب روحیه‌ی خلوت‌گرایانه و دل‌آزردگی‌های شاعرانه‌اش تمایل زیادی به شرکت در محافل و دسته‌بندی‌های ادبی نداشت و این ویژگی را در مراحل مختلف عمرش کمابیش حفظ کرد. حتی در اوایل جوانی که به تهران آمده‌بود، به زحمت گاهی درانجمن‌های ادبی شرکت می‌کرد و تا مدت‌ها از هر نوع معاشرت ادبی پرهیز داشت، ولی تمام جریان شعر معاصر، از رمانتیسم اجتماعی و رئالیسم عصر مشروطه گرفته تا ادبیات درون‌گرایانه‌ی رمانتیک دهه‌ی بیست و سمبولیسم اجتماعی دهه‌ی سی و چهل در شعر او با طرزها و قالب‌های مختلف نمایان است و در تمام سبک‌ها، طبع‌آزمایی کرده و نسبتاً موفق از کار درآمده‌است. این‌که چرا بعضی پژوهندگان شعر معاصر به شهریار کم‌تر توجهی کرده‌اند، جای تعجب است. البته آمدن اسم کسی در این تذکره‌ها و کتاب‌ها چیزی نه به شأن یک شاعر اضافه می‌کند و نه از آن می‌کاهد، جز اینکه نام نیاوردن از شاعری مثل او برای کتاب، نقص محسوب می‌شود؛ نه برای شهریار. (مشرف، ۱۳۸۲: ۲۵)

شهریار به ویژگی‌های شعر خود توجه داشت و خود بسیاری از اشعارش را به خصوص شعرهایی را که با نام «مکتب شهریار» در کلیات او آمده، رمانتیسم دانسته‌است. خود وی در این باره می‌گوید: «این کتاب را مکتب شهریار خوانده‌اند. این تسمیه به معنای واقعی صحیح نیست. بایستی «سبک شهریار» می‌گفتند. چون بعضی اشعار این کتاب به شکل رمانتیک غربی است به این مناسبت «مکتب شهریار» گفته‌اند. به هر

جهت بنده خودم موافق نیستم ولی کلمه‌ی بهتری هم که این مقصود را بیان کند و لطیف هم باشد و باد بروتی هم نداشته باشد فعلاً به نظرم نمی‌آید» (شهریار، ۱۳۷۱: ۷۳).

شهریار عقیده دارد که رمانتیسیم تنها مکتبی است که جای خود را در ادبیات ما باز کرده‌است. به نظر او مکتب را دیگر نباید بیگانه و فرنگی به حساب آورد، زیرا این مکتب به عقیده‌ی شهریار از سال‌ها پیش در ادبیات ما وارد شده و شاهکارهایی هم بر اساس آن ساخته شده‌است. شهریار «سه تابلوی عشقی» و «افسانه»ی نیما یوشیج را به عنوان شاهکارهای شعر رمانتیک مثال می‌زند. (همان: ۷۵)

اساساً شعر شهریار «رمانتیک» است. وی در «افسانه‌ی شب» و «دو مرغ بهشتی» و حتی در «سرود آبخاران» از رمانتیسیم فرانسه متأثر است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۵۰) و حالت‌هایی مانند بازگشت به دامن طبیعت، تخیل، انزواطلبی، شکست در تلاش‌های اجتماعی، احساس تنهایی، گریز به رؤیا، اندوه و... که از خصلت‌های رمانتیسیم است (هاوزر، ۱۳۷۷: ۸۲۴؛ فورست، ۱۳۸۰: ۵۱، ۵۲؛ سیدحسینی، ۱۳۸۱: ۱۸۰/۱ - ۱۸۲)، در قسمت‌های بیشتری از اشعار او نیز وجود دارد.

«بازگشت به طبیعت» از جمله ویژگی‌هایی است که هم در همدلی با طبیعت و هم در تخیل و صحنه‌آرایی در بسیار از اشعار وی دیده می‌شود. شعر زیر مبین همین معناست.

| | |
|---------------------------|---------------------------|
| شب بود و نهیب باد و طوفان | می‌کوفت در اتاق با مشیت |
| رگبار به شیشه‌های الوان | خوش ضربه گرفته با سرانگشت |
| تصویر چـراغ پشت شیشه | هی شعله کشیده باد می‌کشت |

هم شوق به دل مرا و هم بیم

| | |
|-------------------------|--------------------------|
| آن ابر تنک به یاد دریا | بر دامن سبزه اشک می‌ریخت |
| بر لاله‌ی گوش شاخه‌ی گل | آویزه‌ی ژاله چون درآویخت |
| لبخند گل عفیف و خاموش | بلبل به غزل‌سرایی انگیخت |

من بی‌تو دلم گرفته چون ابر

(شهریار، ۱۳۷۱: ۱ / ۵۷۰ - ۵۷۱)

یکی از ویژگی‌هایی که سبک شعر شهریار را از سبک شعر کلاسیک دورمی‌کند اهمیت و ارزش دادن به «تخیل» و داشتن دیدگاهی خاص در این باب است و آن همان نکته‌ای است که رمانتیک‌های انگلیس را از شاعران قرن هجدهم متمایز می‌کند (فورست، ۱۳۸۰: ۶۲ - ۶۳). بندهای زیر از «دو مرغ بهشتی» جلوه‌ای از این نوع تخیل است:

| | |
|-------------------------|------------------------|
| از طلای شفق کرده قایق | شب به نیل فلک راه پوید |
| بر لب چشمه‌ی نقره‌ی ماه | گیسوان طلایی بشوید |
| صبح بر جوی شیر سپید | زورقش چون شقایق بروید |

باز در خنده‌ی خود شود گم

| | |
|-------------------------|---------------------------|
| گه معلق زند از بر عرش | با کواکب به دریای سیماب |
| گه به عریان تنان بهشتی | گرم بازی در امواج مهتاب |
| گه به ابر طلایی نهد زین | گاه بر کهکشان می‌خورد تاب |

بشکفد در گل صبح و مهتاب

(شهریار، ۱۳۷۱: ۱/ ۵۲۱)

شهریار به شاعران کلاسیک نیز علاقه نشان می‌دهد و به سبک و شیوه‌ی آنان شعر می‌سراید. وی به شاعران طراز اول فارسی مانند «سعدی»، «مولوی»، «حافظ» عشق می‌ورزد. دو غزل «وداع با حافظ» و «حافظ جاودان» عشق و احساس او را نسبت به حافظ نشان می‌دهد (یا حقی، ۱۳۸۵: ۱۷۹؛ صدری نیا، ۱۳۸۲: ۱۳۴). برخی بر این اعتقادند که از بین شاعران گذشته‌گرا و سنتی تنها شعر او شایسته‌ی بررسی است (شمس لنگرودی، ۱۳۸۷: ۳/ ۱۹۲).

وقتی از «کلاسیسم» سخن به میان می‌آید، معمولاً با واژگانی سروکار پیدا می‌کنیم که نمایان‌کننده‌ی اعراض از عموم و گرایش به خواص است (ثروت، ۱۳۸۵: ۴۰). در شعر زیر از شهریار (سرود آبشار) همین امر نمایان است:

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| روشن‌تر از روز سپید کامکاران | چون خواب نوشین یاد دارم ماهتابی |
| دنیای شب از پرتوی مه نور باران | بیلاق بود و آبشار و جنگل و کوه |
| خاموشی شب با خروش آبشاران | لطف هوا چندان که گفתי الفتی داشت |
| دلکش سرود آبشار از کوهساران | در گوش دل افسانه‌ی آفاق می‌گفت |
| چونانکه از گوش عروسان گوشواران | آویخته گل از فراز شاخه گلبن |
| هر سو هزار آوا هزاران در هزاران | برداشته از شاخساران لحن داوود |
| هنگام گلگشت و بساط نوبهاران | هنگامه‌ی عشق و نشاط نوجوانی |
| سر کرد نی با من نوای غمگساران... | لب بر لب نی بر سر سنگی نشستم |

(افشین وفاپی، ۱۳۸۶: ۶۰۷-۶۰۹)

قطعه‌ی شیوای «حیدربابایه سلام» نیز علاوه بر معانی بلند و بکر آن، از منظر سبک‌ها و مکاتب ادبی قابل بررسی و تبیین است. شهریار در این منظومه، از هرگونه تقلید کورکورانه از شعر کلاسیک و یا از استعارات و کنایات نامأنوس مکتب سمبولیسم سر باز می‌زند؛ بلکه با مشاهده‌ی تجسم حقایق و واقعیات، آن را نمونه‌ی اعلا‌ی سبک «رنالیسم» و هم‌چنین با ملاحظه‌ی بیان استادانه‌ی احساسات و عواطف الگوی کامل شعر «رمانتیک» می‌یابیم.

۱-۳-۳- سؤالات و فرضیه‌ها

۱-۳-۱- سؤالات تحقیق

- ۱- آیا ابیات اشعار شهریار با مکتب‌های ادبی در ارتباط است؟
- ۲- آیا شهریار به دنبال مکتب‌های ادبی بوده‌است یا مکتب‌های ادبی به سراغ شهریار آمده‌است؟
- ۳- آیا در اشعار شهریار می‌توان هسته‌ی مرکزی یک مکتب را پیدا کرد؟

۱-۳-۲- فرضیه‌ها

فرضیه اول: با وجود دل‌بستگی شهریار به موازین و سنت‌های شعری گذشته‌ی ایران، نمی‌توان او را به تمام معنا، شاعری سنت‌گرا تلقی کرد و تأثیر مکتب‌ها و اسلوب‌های ادبی معاصر را در شعر او نادیده گرفت. تأمل در دیوان او، این نکته را مورد تأیید قرار می‌دهد که شهریار با شناخت، ارزیابی و نقادی شیوه‌های ادبی روزگار خود، هر آنچه را که شایسته می‌یافت، برمی‌گزید و در خلق آثار خویش از آن‌ها بهره می‌گرفت.

فرضیه دوم: شعر فرانسه را می‌توان به یک مسافر تشبیه کرد که در رمانتیسم هوگو روی جاده‌ی مستقیمی حرکت می‌کند و به هدف کمال مطلوب هم نزدیک شده‌است. متأسفانه باز او را می‌بینیم که در ناتورالیسم منحرف و در ناتوریسم و فوتوریسم و کوبیسم به منتهای انحراف می‌رسد. بالأخره در دادائیسم کاملاً مسخره شده و در سوررئالیسم باز آدم می‌شود و در پاراناسیسم محکم‌کاری جمله‌بندی و وزن و قافیه را برداشته به کلاسیک نزدیک می‌شود. خرد را از گرد راه سفر که می‌تکاند؛ به زحمت همان «هنر برای هنر» که توأم با تخیل و فانتزی معقول رمانتیسم باشد، برایش می‌ماند، اما هدف و ایده‌آل را که مقصود اصلی هنر است، گم کرده‌است (شهریار، مقدمه‌ی کلیات، ۱۳۷۱: ۷۹). با توجه به عبارت‌های مذکور می‌توان گفت: هم مکتب‌های ادبی به سراغ شهریار آمده‌است و هم شهریار آثار مختلف در مکتب‌های ادبی را به دقت تعقیب و مطالعه می‌کرد و تمام جریان شعر معاصر از رمانتیسم اجتماعی و رئالیسم عصر مشروطه گرفته تا ادبیات درون‌گرایانه‌ی رمانتیک دهه‌ی بیست و سمبولیسم اجتماعی دهه‌ی سی و چهل در شعر او با طرزها و قالب‌های مختلف نمایان است و در تمام سبک‌ها، طبع‌آزمایی کرده‌است و نسبتاً موفق از کار درآمده‌است.

فرضیه سوم: شهریار هم از مبانی جمال‌شناختی و وجوه‌بلاغی و هم از جهت نوع نگاه به گذشته و حال و آینده‌ی انسان و نحوه‌ی آسیب‌شناسی و چاره‌گری اجتماعی از آموزه‌های رمانتیسم تأثیر پذیرفته‌است و بر اثر آن دامنه‌ی خلاقیت‌های او گسترش یافته و موجبات تشخیص شعر وی را فراهم آورده‌است.

۱-۴-۱- هدف و ضرورت تحقیق

۱-۴-۱- ضرورت تحقیق

مکتب‌های ادبی، در ادبیات جهان از اهمیت شایانی برخوردار است و بسیاری از ویژگی‌های این مکاتب در اشعار شهریار موج می‌زند و چون در این زمینه هیچ تحقیقی صورت نگرفته‌است، لازم و ضروری بود به این موضوع پرداخته شود.

۱-۴-۲- اهداف تحقیق

- ۱- تعیین میزان کاربرد مکتب‌های ادبی در اشعار شهریار
- ۲- شناسایی اجزای مکاتب ادبی با ویژگی‌های آن‌ها و بیان بسامد این مؤلفه‌ها
- ۳- آگاهی از میزان تأثیرپذیری شهریار از مکتب‌های ادبی

۱-۵- پیشینه تحقیق

۱- صدری‌نیا، ب. ۱۳۸۲. مقاله‌ی «جلوه‌های رمانتیسم در شعر شهریار»، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، شماره ۴۶ تبریز.

صدری‌نیا در مقاله‌ی «جلوه‌های رمانتیسم در اشعار شهریار» تأثیرپذیری از اصول و آموزه‌های مکتب رمانتیسم بحث کرده و ضمن پرداختن به پیشینه‌ی آشنایی شهریار با رمانتیسم و آثار رمانتیک‌های ایرانی، چگونگی بازتاب جلوه‌های صوری و محتوایی رمانتیسم در شعر او اشاره کرده‌است.

۲- مشرف، م. ۱۳۸۲. مرغ بهشتی، نشر ثالث، تهران.

مشرف در این کتاب پس از شرح زندگی شاعر با عنوان‌های «بر بستر رمانتیسم» و «تغزل» و هم‌چنین «رمانتیسم اجتماعی» به بحث و بررسی اشعار شهریار با ویژگی‌های مذکور پرداخته‌است و از دیگر مکاتب ادبی سخنی نگفته‌است.

۱-۶- روش اجرای تحقیق :

نوع تحقیق در این پژوهش، کتابخانه‌ای و توصیفی و روش آن استقرایی بوده و جامعه‌ی آماری آن «کلیات دیوان شهریار» است. در تحقیق موردنظر، با مراجعه به کتابخانه‌ها و مطالعه‌ی متون و منابع اصلی و فرعی، مطالب مرتبط با موضوع، استخراج و فیش‌برداری می‌شود. بعد از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، به بررسی مکاتب ادبی و اصول و اجزای آن در «کلیات دیوان شهریار» پرداخته، نحوه‌ی کاربرد این عناصر در جامعه‌ی آماری موردتجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.